



ریشه برجاست (معرفی نامه مصادر نهج البلاغه)

○ بخشعلی قنبری



○ مصادر نهج البلاغه

○ سید عبدالزهراء الحسينی الخطیب

○ دارالاضواء بیروت - لبنان، ۱۴۰۵ ق/ ۱۹۸۵ م، اربع مجلدات

غرب‌زدگی، هیوطی مردانه به سرزمین مشرق می‌کند تا در عصر تجددزده‌ی ماهیت گم کرده در مجموعه سترگش از علی یاد کند و او را به حقیقتی برگونه‌ی اساطیر بسناید؛ و اگر همو نیز بر مهجور بودن خورشید شوشتر؛ شارح انوار غلسوی افسوس می‌خورد و اگر... سیدعبدالزهراء حسینی از پایداری ریشه‌ها سخن می‌گوید «و فی قلوبهم مرض»ها را به محاجه‌ای عالمانه و مناظره‌ای عاقلانه می‌خواند و شهرها و کتابخانه‌ها را چونان الغدیر نویس بزرگ، درمی‌نوردد تا این خلکان‌های دوران به شهر علم و یقین رهنمون شوند و چه نیکو آغاز و خوش سرانجام و سربلند از مرکز قضاوتها بیرون می‌آید.

او از ریشه‌ها می‌گوید و تذکار و هشدار می‌دهد که اگر میوه‌ها دهان شما را شیرین نمی‌کند و احساس می‌کنید میوه بی‌ریشه بر شاخسارها بار آمده است چشم باز کنید هزاران ریشه را درنگرید که ای عاقلان شاخه و تنه و میوه و برگ همه از طریق ریشه تغذیه می‌کنند و آفرین بر ریشه‌ها و آفرین بر میوه‌ها!

به هر حال مصادر نهج البلاغه استمرار راه آن نیک مردانی است که سخنان مولا را در منابع و کتب معتبر جستند تا به طالبان مأخذ و منبع

خادمان نهج البلاغه با عنایت به ذوق و سلیقه و توانمندیهایشان در خدمتگزاری این اثر شریف کوشیده‌اند و اگر بر بلندای آن شاهپر تکتاز نرسیده‌اند به قدر وسع و همت خویش کوشیده‌اند و هر کدام از منظری نگریسته‌اند و برای ترغیب عقلی و حسی و عاطفی آنچه در رمق داشته در طبق اخلاص نهاده‌اند و بر آستان بزرگ بزرگان مولای سخت‌کوشان به هدیت برده‌اند. چه، نیک می‌دانند آن مهتر مهتران به دیده‌ی لطف در کهتران می‌نگرد و به توصیه حق از سر شفقت و مهرورزی با خلق درمی‌آمیزد.

اگر ابن ابی‌الحدید شرح خود را بر آن آستان ارمغان می‌برد؛ اگر صدرای بزرگ فلسفه‌ی خود را بر آن کریم تقدیم می‌کند؛ اگر کوه دور افتاده اما با شکوه و پر اوج شوشتر به کنجی می‌نشیند درها را کنار هم می‌آرمد تا زبان طاعنان بریندد و مرکب راهوار سخن علی را چابک‌تر سازد، اگر آن ناظم دلباخته سخنان ارجمندش را به طناب قافیه‌بند می‌سازد تا شعر دوستان و نظم‌خواهان سخن‌اش را در همان حلیه بیابند؛ اگر مترجمان پارسی گوی بخشنده‌ی عمر بر کاغذ، زخمه می‌زنند اگر آن مطهر روان سربدار در شهر نهج البلاغه سیر می‌کند؛ اگر آن تبعیدی کویر از کاخ و بلندی کاذب



معاویه بن ابی سفیان؛ سرسخت‌ترین دشمن امام علی (ع) در این باره می‌گوید: «به خدا سوگند جز محمد [ص] کسی را ندیدم که نیکوتر از علی سخن بگوید. چون سخن بگوید گویی که جز او کسی فصاحت را در قریش بنا ننهاده است.»^۱

محمد بن طلحه شافعی درباره‌ی فصاحت و بلاغت مولا علی (ع) می‌گفت: «فصاحت بدو منسوب است و بلاغت از او نقل شده است و براعت از او اخذ شده است و علم معانی و بیان در او سرشته شده است.»^۲

ابن ابی‌الحدید درباره فصاحت و بلاغت و سخنوری مولا علی (ع) می‌نویسد: «شکی در آن نیست که در میان سخنوران عرب هیچ کس فصیح‌تر از علی علیه‌السلام سخن نگفته است مگر سخن خدا و پیامبر (ص)، زیرا برتری سخن سخنران و نویسنده به دو عامل اساسی بستگی دارد که مفردات الفاظ و مرکبات جمله‌هاست... واژگان نهج‌البلاغه به طور کامل فصیح‌اند و مرکبات مطالب و سخنان علی (ع) نیز چنین است.»^۳

ویژگی‌های ادبی و معرفتی نهج‌البلاغه

سید عبدالزهره حسینی پس از نقل سخنانی از ادبای بزرگ به اسلوب‌های جاری نهج‌البلاغه پرداخته است که به اختصار به ذکر آنها می‌پردازیم

۱) نهج‌البلاغه مملو و مشحون است از واژگان مفرد، جمع، مذکر، مؤنث، حقیقت و مجاز.

۲) استفاده از مجازها و کنایه‌ها به صورت زیبا و قالبی تازه.

۳) نهج‌البلاغه کتابی است که در جای خود از ایجاز و اطناب بهره شایسته برده است. این امر در پاره‌های نهج‌البلاغه و مسجعات جداگانه آن آشکار شده است. این عبارات به گونه‌ای جذاب است که هر ادیبی مایل است آنها را حفظ نماید تا بیان عربی‌اش با سلامتی تکون یا بدو به کمال رسد.

۴) زیبایی‌های بدیع در قالبی ویژه از جمله جناس، مطابقت، ترصیع، قلب و عکس. با به کار بردن این صناعات بلاغت به کمال می‌رسد.

۵) برخورداری از موسیقی که اهل فن آن را به نیکویی درمی‌یابند.^۴ واقعیت آن است که نهج‌البلاغه محل ظهور، بروز و کاربرد (صناعات لفظی و معنوی ادبی است به گونه‌ای که خواننده با کم‌ترین اطلاعات از ادبیات می‌تواند آنها را دریابد و به نیکی بفهمد. برای نمونه می‌توان خطبه‌ی همام (۱۸۴) را مثال زد که سرتاسر آن مشحون است از زیبایی‌های ظاهری و باطنی که در بین سخنان بشری پس از پیامبر (ص) هرگز یافت نمی‌شود.

شبهات این خلکان درباره نهج‌البلاغه

این خلکان (متولد ۶۰۸ ق در اربل و متوفی ۶۸۱ در دمشق) شبهاتی درباره نهج‌البلاغه و گردآورنده آن مطرح کرده است که ذیلاً به فشرده‌ای از آنها اشاره می‌کنیم.

۱) جامع نهج‌البلاغه سیدرضی است یا سید مرتضی؟ برخی گفته‌اند که نهج‌البلاغه سخنان گردآورنده آن است که به علی (ع) نسبت داده است.

۲) از آنجا که در این کتاب (نهج‌البلاغه) به صحابه رسول خدا (ص)

عرضه کنند تا شاید میل کنند و به دروازه علم نبوی نزدیک شوند و اجازت گیرند و در شهر علم سیر کنند؛ سیراب و شادکام گردند از میوه‌های آن.

در هر صورت نگارنده این خطوط معرفی این اثر را ارجح از نقد و بررسی آن دانسته است و به همین حد قناعت ورزیده است و گمان می‌برد این اثر هر چند اولین کار نیست و آخرین هم نخواهد بود، اما کاری ارزشمند و برای پژوهشگران نهج‌البلاغه سخت لازم و به غایت مفید است.

سید عبدالزهره حسینی در اثر خود پس از آوردن مقدمه مرتضی آل یاسین، دکتر مصطفی جواد و توفیق فکیکی که همگی از صاحب‌نظران نهج‌البلاغه هستند مقدمه‌ای ذکر کرده و به معنا و مفهوم مصادر و انواع و اقسام آن و توصیف نهج‌البلاغه و ویژگی‌های آن پرداخته است. آنگاه به ذکر شبهات ابن خلکان می‌پردازد و آن را نقد می‌کند و به دنبال آن وارد اصل مطلب که مآخذشناسی و منبع یابی مطالب نهج‌البلاغه است، شده است. که در اینجا به خلاصه‌ای از آنها اکتفا می‌کنیم.

علی (ع) و سخنوری

یکی از هنرهای باسابقه در میان ابنای بشر سخنرانی و سخنوری است. در اهمیت و ارزش این هنر همین بس که همه‌ی پیامبران الهی با بهره‌گیری از آن به تبلیغ پیام خداوند در جهان پرداخته و آن را به سمع آدمیان رسانده‌اند. سخن و سخنوری آن قدر تأثیرگذار است که می‌تواند مردگان را زنده و یا زندگان را مرده کند. اثر این هنر در موارد زیادی باعث تحولات عمیق اجتماعی شده است. به عنوان مثال رهبران انقلابی دنیا از طریق سخنرانی تأثیر گذاشته‌اند و این امر بر هیچ فردی پوشیده نیست.

به هر حال وقتی هنر سخنرانی با عرفان و خداجویی و عدالت‌خواهی جمع شود اثرش مضاعف می‌شود. سخنرانی‌های هنرمندانه و زیبایی‌شناسانه مولا علی (ع) از این نوع بوده است. از این رو دوست و دشمن آن حضرت در برابر عظمت سخنوری مولا سر تعظیم فرود آورده و به وصف و مدح فرمایشات و هنر سخنرانی مولا پرداخته‌اند. اعتراف سخت‌ترین دشمنان مولا در این زمینه ما را از آوردن شواهدی از دوستان آن حضرت باز می‌دارد و بی‌نیاز می‌سازد.





و وصایت بر این نکته تأکید کرده است که وصیت امری مرسوم و بلکه واجب بوده است. در میان پیامبران وصیت امری مرسوم بوده است و پیامبر اسلام (ص) نیز وصیت‌های مهمی از جمله در انتخاب جانشینی خود داشته است. به علاوه در قرآن هم این امر ذکر شده است. خلیفه اول نیز عمر را جانشین خود قرار داده و نسبت به اطاعت از او وصیت کرد. حال با عنایت به این موارد چه ایرادی دارد که امیرمؤمنان هم وصیت بکند؟^{۳۰}

نویسنده کتاب با ذکر ۸۰ حدیث و نقل قول و شعر از پیامبر و یاران آن حضرت به ذکر موارد مختلف از وصیت آن حضرت پرداخته است که بخش عمده‌ی آن وصیت به جانشینی مولا علی (ع) اختصاص یافته است. وی در پایان به ذکر اسامی ۱۷ تن از وصیت‌نامه نویسان پرداخته است.

شبهه سجع و آرایش لفظی. مؤلف محترم در چند مرحله به شبهه ابن‌خلکان درباره سجع پاسخ داده است:

۱) سجع اگر بر گوش شنونده یا خواننده سنگین نباشد و با تصنع و تکلف همراه نباشد نشانه‌ی بلاغت و فصاحت است.

۲) با وجود آن که سجع امری نیکوست اما نهج‌البلاغه تماماً به شیوه‌ی سجع گفته نشده است و این امر نشان می‌دهد که مولا (ع) به طور طبیعی و شرایط مختلف و اقتضائات و بدون تکلف از این هنر بهره برده است. به عنوان مثال نامه‌های نهج‌البلاغه یا اصلاً سجع ندارد و یا بسیار اندک و غیر معتابه است.^{۳۱}

۳) اگر مسجع گفتن عیب باشد بر قرآن و سخنان رسول خدا هم این عیب وارد است. مؤلف محترم با ذکر آیات و احادیثی از پیامبر (ص) به استدلال علیه ابن‌خلکان پرداخته است به علاوه مؤلف به ذکر پاره‌ای از سخنان مسجع خلفای دیگر (ابوبکر، عمر و عثمان) پرداخته است تا ثابت کند که مسجع سخن گفتن امری مرسوم و رایج بوده است. لذا از بیان امیر نیز چنین انتظاری می‌رفت.^{۳۲}

شهرت دقت در وصف طبیعت و حیوانات و تقسیمات عددی. ابن‌خلکان ادعا کرده است که در عربستان طاووس وجود نداشت که مولا علی (ع) به شرح آنها پرداخته است؟ در حالی که ابن‌ابی‌الحدید به اشکال جواب داده است به این صورت که: امیرمؤمنان در مدینه طاووس، ندیده است بلکه در کوفه دیده است.^{۳۳}

اما تقسیمات عدد مثلاً استغفار بر چند نوع است... ایمان بر چهار پایه است و... اینها امری مرسوم بوده است و ده‌ها روایت از پیامبر (ص) رسیده است که از این تقسیمات دارد. پس این اشکال هم وارد نیست.^{۳۴}

شبهه علم غیب. درباره علم غیب ذکر این نکته را کافی می‌دانیم که به تعبیر خود علی‌علیه‌السلام هر چه درباره آینده‌نگری می‌داند از علم پیامبر (ص) است و جزئیات را از آن حضرت آموخته است.^{۳۵}

شبهه تشویق به زهد. واقعیت آن است که ابن‌خلکان توجه نکرده است که شیوه قرآن در امر دنیا چیست به علاوه نهج‌البلاغه را مطالعه کرده اما یا گزینشی برخورد کرده است و یا بخش اندکی را حفظ و بخش دیگر را فراموش کرده و یا از آنها غفلت کرده است.^{۳۶}

شبهه زندگی اجتماعی. ابن‌خلکان ندانسته است که نظر قرآن درباره اجتماع چیست و متوجه نشده است که علی در اجتماعات هرگز از قرآن یا

تعرض شده است لذا آن را نمی‌توان به علی (ع) نسبت داد.

۳) در نهج‌البلاغه از وصیت و وصایت سخن رفته است در حالی که در میان مسلمانان چنین مبحثی مطرح نبوده است.

۴) نهج‌البلاغه به سبک مسجع نوشته شده و از صناعات لفظی و معنوی زیادی استفاده شده که تا آن زمان مرسوم نبوده است. لذا این کتاب را نمی‌توان به علی (ع) نسبت داد، بلکه در دوره‌های متأخر (نزدیک به قرن هفتم زمان حیات ابن‌خلکان) نوشته شده است.

۵) درباره موضوعاتی مانند خفاش، طاووس، مورچه و ملخ چنان سخنان دقیقی مطرح شده است که تا آن زمان مطرح نبوده بلکه این علوم و اطلاعات محصول عصر حاضر (عصر ابن‌خلکان) است نه عصر علی‌علیه‌السلام، به علاوه در سرزمین عربستان چنین حیواناتی یافت نمی‌شد.

۶) در نهج‌البلاغه سخنانی مطرح شده که از آن بوی علم غیب به مشام می‌رسد یعنی گویی که علی (ع) دارای علم غیب بوده است و این ادعا از علی (ع) سخت به دور است.

۷) در نهج‌البلاغه ترغیب و تشویق زیادی نسبت به زهد و ترک دنیا شده است که از تعالیم حضرت مسیح (ع) به شمار می‌رود.

۸) زندگی اجتماعی در این کتاب به گونه‌ای مطرح شده که تا آن زمان چنین مباحثی مطرح نبوده است بلکه این مباحث در عصر حاضر (قرن هفتم) مطرح است نه در آن زمان.

۹) برخی از مطالب نهج‌البلاغه در برخی آثار به افراد دیگر منسوب است و این نشان می‌دهد که این بخش از نهج‌البلاغه از علی (ع) نیست.

۱۰) کتب ادبی حاضر حتی از برخی از مطالبی که در نهج‌البلاغه آمده بی‌بهره است و این نشان می‌دهد که نهج‌البلاغه کتاب علی (ع) نیست.

نقد نظرات ابن‌خلکان

سید عبدالزهره حسینی با استناد به دلایل عقلی، قرآنی و روایی به نقد برجسته‌ترین نظرات ابن‌خلکان پرداخته است که به طور مختصری به آنها می‌پردازیم:

شبهه مربوط به صحابه. سید عبدالزهره حسینی درباره این شبهه می‌نویسد: «صحبه» به معنای معاشرت است و اختصاص به زمان کوتاه یا بلند ندارد بلکه همین که اندک مصاحبتی حاصل شود «صحبه» معنا پیدا می‌کند. همچنین به کافر یا مؤمن هم اختصاص ندارد.^{۳۷}

از سوی دیگر همان‌گونه که در میان مردم، افراد خوب، بد، مؤمن، کافر، صالح و ناصالح وجود دارد در میان صحابه نیز افراد مختلفی وجود داشت. برخی از صحابه مؤمن و مورد اعتماد بوده‌اند و برخی از آنان پیمان‌شکن و تندرو بوده و از مسیر هدایت خارج شده‌اند و برخی از آنان از کار خطای خود توبه کرده به مسیر حق بازگشته‌اند^{۳۸} اما برخی دیگر چنین نکرده‌اند. بنابراین بر اساس اعمال و رفتار و عقاید آنان باید قضاوت کرد و صحابه بودن برای درستی رفتار آنان هیچ‌گونه توجیهی نمی‌تواند باشد. بلکه همان‌گونه که قرآن کریم فرموده است معیار برتری تقوی است و در این زمینه هیچ تفاوتی میان افراد اعم از صحابه و غیرصحابه وجود ندارد.

شبهه وصیت و وصایت. سید عبدالزهره حسینی درباره شبهه وصیت





فراتر نگذاشته است. و این هنر او را می‌رساند که به اجتماع به طور تخصصی نگر بسته است.^{۱۳}

نکته جالب اینکه ابن‌خلکان وقتی به زهد می‌رسد شبهه ایراد می‌کند و وقتی به مسأله کاملاً مخالف آن هم می‌رسد باز شبهه وارد می‌کند؟! در حالی که نمی‌توان هر دو سخن را رد کرد بلکه او باید یک طرف قضیه را محور خود قرار دهد و در آن صورت حداقل طرف دیگر را بپذیرد؟!

سابقه مآخذ پژوهی نهج البلاغه

مرحوم سید عبدالزهر حسینی گزارش مختصری پیرامون منبع‌شناسی نهج البلاغه آورده است و به ذکر برخی از آثار نوشته شده در این موضوع پرداخته است. از جمله آثاری که در این مقدمه ذکر شده عبارتند از:

۱) مدارک نهج البلاغه نوشته هادی کاشف‌الغطا که تنها به اصول پرداخته است و درصدد برآمده است تا با این اقدام از ضایع شدن برخی از مطالب نهج البلاغه جلوگیری کند.

۲) نهج البلاغه چیست؟ این اثر نوشته‌ی سید هیبة‌الدین شهرستانی است که به تاریخ نهج البلاغه و ارزش علمی و ادبی آن و نیز ارج و اعتبار گردآورنده آن؛ سید رضی (ره) پرداخته است.

۳) روش. این اثر را حسین بستانه نوشته و به بررسی شبهات پیرامون نهج البلاغه پرداخته و به آنها پاسخ داده است. البته نوشته‌های حسین بستانه در زمان حیاتش در مجله اعتدال در شهر مقدس نجف چاپ و منتشر شده است.

۴) استناد نهج البلاغه. مؤلف این اثر امتیاز علی عرشى از علمای هند است که عامر انصاری آن را ترجمه و ابتدا در مجله فرهنگ هند در سال ۱۹۵۷ م به چاپ رسانده است. این کتاب با وجود حجم کمش از اعتبار علمی بالایی برخوردار است و پیرامون موضوع مورد نظر مباحث دقیقی را در خود جای داده است.^{۱۴}

اهمیت کتاب مصادر نهج البلاغه و نظرات علما

با توجه به نقدهایی که به انتساب مطالب نهج البلاغه به امام علی (ع) می‌شد و افرادی نظیر ابن‌خلکان (متوفی ۶۸۱ ق) نسبت دادن محتوای نهج البلاغه را به امام علی (ع) خدشه بردار دانسته و در رد آن نه تنها کتاب و مقاله نوشته‌اند، بلکه از مردمان می‌خواستند تا چنین انتسابی را نپذیرند و تا حد امکان این سخنان را به صاحبان اصلی‌اش نسبت دهند. در عصر حاضر نیز افراد و پژوهشگرانی مدعیانی کم و بیش مشابه با نظرات ابن‌خلکان مطرح می‌کنند. به عنوان مثال السید صبری ابراهیم از عالمان اهل سنت پیرامون نهج البلاغه و اسناد و مدارک آن بررسی‌هایی جامع به عمل آورده و مدعی شده است که بخش قابل ملاحظه‌ای از نهج البلاغه سخن امام علی (ع) نیستند بلکه آنها از افراد و بزرگان دیگری نظیر پیامبر بزرگوار اسلام (ص) و یا سایر صحابه پیامبر (ص) و برخی از امامان معصوم شیعه ایراد شده است!

قابل توجه است که تحقیقات جدید نه تنها منصفانه‌تر از سخنان و مدعیات افرادی نظیر ابن‌خلکان است بلکه بیان‌کننده این نکته‌ی اساسی است که اگر به فرض برخی از مطالب نهج البلاغه از فرمایشات مولا علی (ع) نیست. در عوض از بزرگان دیگری صادر شده که یا به لحاظ مقام

و موقعیت دینی برتر از امام علی (ع) بوده‌اند نظیر پیامبر گرامی اسلام (ص) و یا هم ردیف آن حضرت بوده‌اند مانند امام رضا (ع) و یا پایین‌تر از آن حضرت بوده‌اند مانند برخی از صحابه بزرگوار پیامبر اسلام (ص). واضح است که در هر سه مورد می‌توان به طور قاطع ادعا کرد که ریشه و منشأ اصلی آنها وحی و سخن خدا بوده است، و به همین دلیل از اعتبار مافوق بشری برخوردار است.

به هر حال مستند ساختن نهج البلاغه برای عصر جدید که همه چیز را مورد نقد عقلی - علمی قرار می‌دهد از مهم‌ترین کارهایی است که در هر زمینه‌ای باید صورت پذیرد، به‌ویژه منابعی که به دین و آموزه‌های دینی مربوط‌اند و ارزش دینی آنها در گرو صحت انتساب به شخصیت‌های برجسته است. از این رو برخی از شخصیت‌های بزرگ و عالم و آدم‌شناس معاصر انجام چنین امری را ضروری می‌دانسته‌اند. در میان این بزرگان می‌توان آیت‌العظمی شیخ محمد حسین آل کاشف‌الغطا را نام برد که در این باب می‌فرماید: «من نسبت به گردآوری اسناد نهج البلاغه به‌شدت احساس خلاء می‌کنم و انجام آن در این عصر بسیار ضروری می‌نماید ولی من چنان موقعیتی ندارم که خود بدان اهتمام ورزم. ای کاش برخی از افاضل علما نسبت به این امر قیام کنند.»^{۱۵}

در اهمیت این اثر سترگ و ضرورت انجام چنین امری همین بس که بزرگان اسلام در قرن حاضر هجری هم ضرورت انجام چنین کاری را یادآور شده‌اند و هم با نوشتن تقریظ و مقدمه بر نویسنده عظیم‌القدر آن «دست مریزاد» گفته و اثر گراندترش را ارج گذاشته‌اند. در میان این سروران مؤمن می‌توان از آیت‌الله آل یاسین، دکتر مصطفی جواد و استاد توفیق فکیکی نام برد که هر کدام به ارزش این اثر تأکید کرده‌اند.^{۱۶}

مفهوم مصادر نهج البلاغه

مؤلف کتاب، مصادر را به آن معنای مرسوم و معروف در نظر نگرفته است؛ یعنی منظور وی از مصادر آن دسته مآخذ نیستند که مرحوم سیدرضی در نهج البلاغه از آنها یاد نکرده است بلکه منظور آن است که پاره‌ای از عبارات مولی اعم از خطبه، نامه، حکمت و... در میان راویان، منسوب به علی علیه‌السلام بوده و از شهرت بالایی برخوردار است. چرا که وقوف بر مآخذی که سیدرضی در تالیف و تنسیق نهج البلاغه از آنها بهره برده، زیاد و بسیار پراکنده بوده است و برخی از آنها در اثر گذر زمان از میان رفته است.^{۱۷}

با توجه به آن که سیدرضی درصدد نبود تا با جمع‌آوری نهج البلاغه به لحاظ فقهی، معرفتی و تاریخی منبع و مدرکی فراهم نماید تا علما و پژوهشگران در تحقیقات خود بدان رجوع کنند بلکه قصدش آن بود تا مطالب و سخنانی از مولا علیه‌السلام گرد آورد که از جوانب مختلف اهمیت داشته باشد به‌ویژه از جهت فصاحت و بلاغت. با توجه به این نکته بود که به جمع‌آوری نهج البلاغه اقدام نمود چراکه در آن عصر سخنان امام (ع) در حوزه‌ها و موضوعات مختلف سخت پراکنده شده بود و کتاب مدونی که در زمینه‌های مختلف سخنان مولا را دربرداشته باشد، وجود نداشت. علاوه بر این سیدرضی (ره) چون اهداف فوق را در نظر نداشت از آرایه مآخذ و منابع برای سخنان برگزیده صرف نظر کرد مگر در موارد اندکی که در نهج البلاغه





مضبوط است.

با عنایت به مطلب ذکر شده می‌توان این نکته را یادآوری کرد که منظور از ارایه مصادر نهج البلاغه مستند کردن سخنان مولا است که در منابع مختلف به صورتهای گوناگون و با اختلاف واژگانی و البته وحدت معانی ضبط شده است.

اقسام مصادر نهج البلاغه

اسناد نهج البلاغه را برحسب تحقیقات به چند قسم می‌توان تقسیم کرد:

۱) مصادر و منابعی که پیش از سال ۴۰۰ ق تالیف شده‌اند و اکنون نیز در دسترس‌اند.

۲) منابعی که قبل از تالیف نهج البلاغه تالیف شده‌اند که در این اثر با واسطه نقل شده‌اند.

۳) کتابهایی که بعد از زمان شریف رضی تالیف شده و کلام مولا علیه‌السلام را با اسناد متصل نقل کرده‌اند ولی سیدرضی نتوانسته به اسناد اصلی آنها دست یابد.

۴) کتابهایی که بعد از رضی تالیف شده ولی سخنان امام (ع) را به صورتی متفاوت و مختلف با آنچه در نهج البلاغه نقل شده، نقل کرده‌اند. مولف مصادر از این دسته مأخذ نهج البلاغه ۱۱۴ مأخذ را ذکر کرده است ولی به لحاظ رعایت اختصار برای نمونه به برگزیده‌هایی از آنها اشاره می‌کنیم. برای نمونه می‌توان منابع زیر را از مأخذ اصلی مصادر قسم ۱ و ۲ شمرد که عبارتند از:

۱) اثبات الوصیه، نوشته علی بن حسین مسعودی (متوفی: ۲۳۳ یا ۲۴۵)، چاپ نجف اشرف.

۲) الاخبار الطوال، تالیف ابوحنیفه احمد بن داود دینوری (متوفی: ۲۹۰)

۳) الاختصاص، تالیف شیخ مفید (متوفی ۴۱۳ ق)

۴) اختلاف اصول المذهب قاضی ابوحنیفه نعمان بن محمد مصری (متوفی: ۳۶۳) به تحقیق مصطفی غالب (چاپ ۱۳۹۳ ق بیروت)

۵) الاغانی، ابوالفرج علی بن حسین اصفهانی (متوفی: ۳۵۶ ق)

۶) اکمال الدین و اتمام النعمه، شیخ صدوق (متوفی: ۳۸۰ ق)

۷) الامامة والسياسة، ابن قتیبه دینوری، (متوفی: ۲۷۶ ق)

۸) انساب الاشرافه ابوجعفر احمد بن یحیی بن جابر بغدادی بلاذری (متوفی: ۲۷۹ ق)

۹) البصائر والذخائر، ابن حبان توحیدی، چاپ (قاهره ۱۳۷۳ ق)

۱۰) بصائر الدرجات، ابوجعفر محمد بن حسن صفار (متوفی: ۲۹۰ ق)

۱۱) البیان والتبیین، ابوعثمان عمرو بن بحر جاحظ (متوفی: ۲۵۵ ق)

۱۲) تاریخ الامم والملوکة محمد بن جریر طبری (متوفی: ۳۱۰ ق)

۱۳) تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح (متوفی: ۲۸۴ ق)

۱۴) تحف العقول، ابن شعبه حرانی

۱۵) تفسیر عیاشی، ابونضر محمد بن مسعود بن محمد بن عیاش سلمی

سمرقندی از علمای سال ۲۰۳ ق.

۱۶) تفسیر فرات کوفی، شیخ فرات بن ابراهیم بن فرات

۱۷) توحید، شیخ صدوق (متوفی: ۳۸۱ ق)

۱۸) الجعفریات، اسماعیل بن جعفر صادق علیه‌السلام

۱۹) الجمل، ابومخنف لوط بن یحیی ازدی (متوفی: ۱۷۵ ق)

۲۰) حلیة الاولیاء، ابونعیم عبدالله بن احمد اصفهانی (متوفی: ۴۰۲ ق)

۲۱) الحیوان، ابوعثمان عمرو بن بحر جاحظ (متوفی: ۲۵۵ ق)

۲۲) دلائل الامامة محمد بن جریر بن رستم طبری از علمای قرن چهارم.

۲۳) الرجال، ابوعمرو و محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی

۲۴) رسائل الجاحظ

۲۵) صفین، نصر بن مزاحم منقری، (متوفی: ۲۰۲ ق)

۲۶) الطبقات الکبری، ابو عبدالله محمد بن سوزهری بصری،

(متوفی: ۲۳۰ ق)

۲۷) العقد الفرید، ابن عبدربه مالکی (متوفی: ۳۲۸ ق)

۲۸) عیون الاخبار، ابن قتیبه دینوری

۲۹) الغارات، ابراهیم بن هلال ثقفی (متوفی: ۲۸۳ ق)

۳۰) غریب الحدیث، ابن قتیبه دینوری (متوفی: ۲۷۶ ق)

۳۱) الغیبه محمد بن ابراهیم نعمانی (ابن ابی زینب).

۳۲) فتوح البلدان، احمد بن یحیی بلاذری (متوفی: ۲۷۹ ق)

۳۳) الفتوح، ابن اعثم کوفی (متوفی: ۳۱۴ ق)

۳۴) الکامل، ابوعیاس محمد بن یزید بن عبدالاکبر ازدی بصری

(مبرد)، (متوفی: ۲۸۵ ق)

۳۵) نقض الثمانیه ابوجعفر محمد بن عبدالله معتزلی، (متوفی: ۲۴۰ ق)

۳۶) مروج الذهب علی بن حسین مسعودی، (متوفی: ۳۳۳ ق)

۳۷) مقاتل الطالبیین، ابوالفرج اصفهانی، (متوفی: ۳۵۶ ق)

۳۸) الموقیات، زبیر بن بکار، (متوفی: ۲۵۶ ق)

۳۹) معانی الاخبار، شیخ صدوق

۴۰) المعارف، ابن قتیبه دینوری، (متوفی: ۲۷۶ ق)

۴۱) المعمرون والوصایا، ابوحاتم سهل بن محمد سجستانی (متوفی: ۲۵۵ ق).

منابع رضی در نهج البلاغه

سیدرضی (ره) در نهج البلاغه از منابعی یاد می‌کند که برخی از مطالب نهج البلاغه را از آنها نقل کرده است. در ذیل به اسامی آنها که سید عبدالزهرای حسینی در مصادر آورده است، اشاره می‌کنیم:

۱) البیان والتبیین، تالیف جاحظ، ج ۲، ص ۷۶.

۲) تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۴۳.

۳) الجمل، واقدی، ج ۳، ص ۱۴۹.

۴) المغازی، سعید بن یحیی اموی، ج ۳، ص ۱۵۰.

۵) مقامات، ابوجعفر اسکافی، ج ۴، ص ۱۲۲.

۶) المقتضب مبرد، ج ۳، ص ۲۶۳.

۷) حکایت ابوجعفر محمد بن علی باقر (ع)، در جلد ۳، ص ۱۶۹.

۸) حکایت ثعلب از ابن اعرابی، جلد ۳، ص ۲۵۷.

۹) خبر فرار ضبائی، جلد ۳، ص ۱۶۶.



- ۱۰) روایت ابوجحیفه، ج ۳، ص ۲۴۴.
- ۱۱) روایت کمیل بن زیاد نخعی، ج ۳، ص ۱۸۶.
- ۱۲) روایت مسعده بن صدقه درباره خطبه اشباح از امام صادق (ع) چنانکه در نهج البلاغه نسخه ابن ابی الحدید نیز آمده است. نک: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۱۳۸.
- ۱۳) روایات ابوعبید قاسم بن سلام درباره «غریب الحدیث» چنانکه ج ۳، ص ۲۱۲ از نهج البلاغه وی آمده است.
- ۱۴) روایتیهای نوف بکالی در جلد ۲، ص ۱۲۴ و ج ۳، ص ۱۷۳.
- ۱۵) آنچه در نوشته‌های هشام بن کلبی آمده است ج ۳، ص ۱۴۸.
- سخنان علی (ع) قبل از نهج البلاغه**
- سخنان مولا علی علیه السلام پیش از تالیف نهج البلاغه به صورتهای گوناگون گرد آمده و شکل تالیف یافته‌اند که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:
- ۱) خطبه‌های امیرمؤمنان بر منابر در اجتماعات و جشن‌ها، تالیف زید بن وهب جهنی (متوفی: ۹۶ ق)
- ۲) خطبه‌های امیرمؤمنان، تالیف مسعده بن صدقه عبدی.
- ۳) کتاب خطبه زهرا برای امیرمؤمنان، تالیف ابومخنف لوط بن یحیی بن مخنف بن سلیم ازدی (متوفی: ۱۵۷)
- ۴) خطبه امیرمؤمنان روایت شده از امام صادق (ع)، تالیف ابو روح فرج بن فروه که از مسعده بن صدقه روایت کرده است.
- ۵) خطبه‌های امیرمؤمنان، تالیف اسماعیل بن مهران بن ابی نصر زیدسکونی کوفی.
- ۶) خطبه‌های امیرمؤمنان (ع) که سید عبدالعظیم حسنی (ره) گرد آورده است.
- ۷) خطبه‌های علی (ع)، تالیف ابراهیم بن حکم بن ظهیر فزاری.
- ۸) خطبه‌های امیرمؤمنان (ع) به روایت ابی عبدالله محمد بن عمر بن واقد مدنی (متوفی: ۲۰۷ ق)
- ۹) خطبه‌های علی (ع)، ابوالفضل نصر بن مزاحم منتصری کوفی (متوفی: ۲۰۲ ق)
- ۱۰) خطبه‌های علی کرم‌الله وجهه به کوشش ابومنذر هشام بن محمد بن سائب کلبی (متوفی: ۲۰۵ یا ۲۰۶ ق)
- ۱۱) خطبه‌ها و نامه‌های علی به کارگزارانش، ابوالحسن علی بن محمد مدائنی (متوفی: ۲۲۵ ق)
- ۱۲) خطبه‌های امیرمؤمنان، صالح بن حماد رازی
- ۱۳) صد سخن از امیرمؤمنان علی بن ابی طالب به گزیده ابوعثمان عمرو بن بحر جاحظ.
- ۱۴) نامه‌های امیرمؤمنان (ع) و اخبار و جنگ‌های آن حضرت. این کتاب را ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال بن عاصم بن مسعود ثقفی کوفی و سعد بن مسعود برادر ابی عبید ثقفی پدر مختار ثقفی تهیه کرده است.
- ۱۵) خطبه‌های معرب، تالیف ابراهیم ثقفی. نجاشی گفته است که این کتاب از تالیفات کلام مولی علی (ع) است
- ۱۶) خطبه‌های امیرمؤمنان تالیف ابواسحق ابراهیم بن سلیمان بن عبیدالله بن خالد خزاز کوفی نهیمی.
- ۱۷) خطبه‌های امیرمؤمنان همراه با شرح. تالیف قاضی نعمان مصری (متوفی: ۳۶۳ ق). این کتاب از جمله شرح‌های نهج البلاغه محسوب می‌شود.
- ۱۸) خطب امیرمؤمنان (ع)
- ۱۹) مواعظ علی (ع)
- ۲۰) نامه‌های علی (ع)
- ۲۱) کلام علی (ع)
- ۲۲) ملاحظه. این کتاب تماماً مجموعه‌ای از کلام امام علی (ع) است که تالیف شیخ عبدالعزیز بن یحیی جلودی بصری (متوفی: ۳۳۲ ق) از بزرگان علمای امامیه است.
- تالیفات سخنان علی (ع) پس از نهج البلاغه**
- ۱) دستور معالم‌الحکم و مأثور مکارم‌الشمیم من کلام امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب، تالیف ابوعبدالله محمد بن سلامه بن جعفر فقیه شافعی معروف به قاضی قضاعی.
- ۲) کلام علی (ع) و خطبه‌های آن حضرت، تالیف ابوالعباس یعقوب بن احمد ضمیری
- ۳) عیون الحکم والمواعظ و ذخیره‌المنعظ والواعظ، تالیف شیخ علی بن محمد بن شاکر مودب لیثی واسطی، این اثر در سال ۴۵۷ ق به اتمام رسیده است.
- ۴) خطبه‌های علی بن ابی طالب، تالیف ابن مدینی
- ۵) نثر اللالی، تالیف شیخ امام امین الاسلام ابوالفضل بن حسن بن فضل طبرسی (شیخ طبرسی) (متوفی: ۵۴۸ ق)
- ۶) نثر اللالی، امام عزالدین علی بن سید امام ضیاءالدین حسنی راوندی.
- ۷) مطلوب کل طالب من کلام علی بن ابی طالب محمد عبدالجلیل عمری بلخی معروف به وطواط (متوفی: ۵۵۳ ق)
- ۸) غرر الحکم و درر الکلم، تالیف ابوالفتح ناصح‌الدین عبدالواحد بن محمد بن عبدالواحد آمدی.
- ۹) منثور الحکم، ابوالفرح ابن الجوزی
- ۱۰) الحکم المنثور، ابن ابی الحدید معتزلی
- ۱۱) عیون الحکم والمواعظ، مجهول المؤلف
- ۱۲) انیس السالکین، زین العابدین ابوالقاسم طباطبایی تهرانی (متوفی: ۱۳۰۲ ق)
- ۱۳) الصحیفة العلویة الثانیة، میرزا حسین نوری (۱۳۲۰ ق)
- ۱۴) حکمت‌های علی بن ابی طالب، برخی از فضلالی مسیحی چاپ ۱۸۰۶ م.
- ۱۵) صد عبارت جامع و فراگیر (مائة کلمه جامعه)، شیخ عباس قمی چاپ ۱۳۵۵ ش.
- ۱۶) هدی و نور من کلام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب منصور هیکل احمدی شرقاوی





۱۷) نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، شیخ محمدباقر محمودی
مجلدهای مصادر در یک نگاه

علاوه بر مطالبی که از جلد اول مصادر آوردیم از صفحه ۲۰۰ به بعد مطالب ذیل آمده است:

۱) کتابخانه نهج البلاغه. در این قسمت مؤلف به ثمرات و فواید تالیف و گردآوری نهج البلاغه اشاره و آنها را در دو دسته کلی شروع نهج البلاغه و کتب مربوط به نهج البلاغه به ویژگی کارهای تکمیلی نهج البلاغه تقسیم کرد و به بیان آنها می‌پردازد. بخش اخیر به موضوعات مختلف مربوط می‌شود که از آن جمله‌اند: کتابهای ترجمه نهج البلاغه به زبانهای مختلف، به نظم کشیدن نهج البلاغه (نهج البلاغه‌های منظوم)، پیرامون اسناد و مدارک نهج البلاغه، تکمیل نهج البلاغه با استفاده از سایر منابع، دفاع از نهج البلاغه و یا تالیف با استفاده از محتوی و روش نهج البلاغه.

مؤلف محترم ۱۰۱ شرح نهج البلاغه نام برده و معرفی کرده است و از بخش دوم ۲۳ کتاب را به فارسی و عربی نام برده و معرفی کرده است. از مستدرکات نهج البلاغه نیز نمونه‌هایی ذکر کرده است.

از صفحه ۲۷۴ تا ۲۷۹ به شرح زندگانی سیدرضی (ره) پرداخته است.
بررسی اسناد و مدارک خطبه‌ها

از صفحه ۲۸۳ جلد ۱ بررسی اسناد و مدارک خطبه‌ها آغاز شده است که در ضمن آنها نکات زیر مورد توجه قرار گرفته شده است:

- ۱) آوردن متن خطبه
- ۲) معنا کردن و توضیح دادن برخی از واژگان مشکل خطبه در پاورقی
- ۳) ذکر اسناد و مأخذ اصلی خطبه به طور متصل و تحلیلی
- ۴) توضیح اعلام و رجال وارد شده در متن

در این مجلد ۴۴ خطبه مورد بررسی قرار گرفته است.

مجلد دوم

در مجلد دوم از خ ۴۵ تا آخر خ ۱۸۵ به همان ترتیب ذکر شده در مجلد اول خطبه‌ها بررسی شده است.

مجلد سوم

در این مجلد از خ ۱۸۵ تا خ ۲۳ و از نامه ۱ تا نامه ۷۹ مورد بررسی قرار گرفته است.

مجلد چهارم

در این مجلد اسناد و مدارک ۴۸۰ حکمت نهج البلاغه بررسی شده است. مؤلف در خاتمه از برخی افراد و مؤسسات تشکر کرده است. ۱۳۹۵ بیروت.

پی‌نوشتها:

- ۱ - مصادر نهج البلاغه، ج ۱، ص ۴۳.
- ۲ - همان، ص ۴۴.
- ۳ - شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۹۹.
- ۴ - مصادر نهج البلاغه، ج ۱، ص ۹۵.
- ۵ - مصادر، ج ۱، ص ۱۱۵.

۶ - همان، ص ۱۲۰.

۷ - همان، صفحات (۱۲ - ۱۵۱) (با تلخیص).

۸ - مصادر نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۵۵.

۹ - همان.

۱۰ - همان، ص ۱۶۰.

۱۱ - همان، ص ۱۶۱.

۱۲ - همان، ص ۱۷۰.

۱۳ - همان، صص ۱۷۴ - ۱۷۵.

۱۴ - همان، ص ۱۸۰.

۱۵ - مصادر نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۷.

۱۶ - مصادر نهج البلاغه و اسانیده، الجزء الاول، ص ۷ به نقل از
المراجعات الريحانية ج ۲، ص ۱۱۲، (بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵/۱۹۸۵).

۱۷ - نک: همان، ج ۱، صفحات ۶ - ۱۳.

۱۸ - مصادر، ج ۱، ص ۱۹.

۱۹ - مصادر نهج البلاغه، ج ۱، صص ۲۹ - ۴۰.

۲۰ - مصادر نهج البلاغه، ج ۱، صص ۴۱ - ۴۲.

۲۱ - مصادر نهج البلاغه، ج ۱، صفحات ۵۱ - ۶۵.